



آیین اختتامیه سوگواره ملی «شعر غریب» بر گزار شد

سوگواره‌ای به یاد امام غریب

محیی‌ا هم‌زمان با شب شهادت امام‌هادی^(ع)، آیین پایانی سوگواره ملی شعر غریب، یکشنبه‌شب، بیست‌و‌چهارم دی، در سالن همایش‌های جهاد دانشگاهی مشهد برگزار شد. سیدحسین سیدی، محمد نیک، سیدابوالفضل مبارز و استاد قنوت، چند تن از شاعران مشهدی بودند که در این مجلس حضور داشتند و به شعرخوانی پرداختند. یوسف امینی، قائم‌مقام مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی، نیز با حضور در این نشست گفت: امروز صدمین روزی است که در بخشی از جهان اسلام شاهد وقوع اتفاقی هستیم که از یک سو مقاومت جهان اسلام و از سویی ستمگری رژیم کودک‌کش اسرائیل را نشان می‌دهد. ما شاهد بیداری و آگاهی در سطح جهان هستیم؛ اتفاقی که اکنون در سطح جهان حتی مردم غیرمسلمان را آگاهی می‌بخشد و این امر به برکت خون شهدای مظلومی است که در غزه ریخته می‌شود. او درباره این سوگواره نیز گفت: شأن نزول جلسه‌امشب شعر است. در کشور ما حتی حکمت و فلسفه با زبان شعر بیان می‌شود و نشان دهنده جذایبت و تأثیرگذاری شعر است. کشور ما همیشه با شعرش در جاهای مختلف معرفی شده است. هدف دست‌اندرکاران این برنامه پیوند شعر با ارزش‌ها و اندیشه‌های امام‌رضا^(ع) است. امینی همچنین درباره فلسفه برگزاری این سوگواره گفت: این موضوع را باید در فرایند هجرت حضرت‌رضا^(ع) از مدینه به مرو بررسی کنیم. هجرت امام دل‌خواهی نبود. مأمون با زیرکی و ترغند بحث ولایتعهدی را مطرح کرد تا امامت امام‌هشتم^(ع) را به چالش بکشد. ترغند او جنگ روانی و نرم بود. اما امام‌رضا^(ع) از ابتدای سفر بحث سفر غربانه‌شان را مطرح کردند. او ابراز امیدواری کرد برگزاری چنین جلساتی با این قبیل موضوعات بیشتر شود تا تأثیرگذاری بیشتری را در این زمینه شاهد باشیم. در ادامه این برنامه، سیدابوالفضل مبارز درباره رسالت این سوگواره گفت: این برنامه قرار است گامی جدی در حوزه شعر رضوی باشد. آثار مرتبط با امام‌رضا^(ع) کمیت زیادی دارد و شاعران زیادی در این زمینه طبع آزمایی کرده‌اند. اما در عین کثرت، همه آثار قوت و کیفیت

زیادی ندارد. ایده برگزاری این سوگواره با محوریت شهادت امام‌رضا^(ع) به همین علت است و محورهای گوناگونی را شامل شده است. شاعرانی از سراسر کشور شعر فرستادند و ما حاصل این شعرها با عنوان «مجموعه شعر غریب» رونمایی شد. شعرخوانی شاعران برگزیده این سوگواره نیز بخش دیگری از این برنامه بود.



تازه‌های کتاب

رمان تازه بازیگر «ماتریکس» منتشر می‌شود



«کیانو ریوز» یک رمان را با همکاری «چاینا میول» با عنوان «کتابی از جای دیگر» در سال جاری میلادی منتشر می‌کند. به‌گزارش «گاردین»، رمان مشترک «کتابی از جای دیگر» در دنیای مجموعه‌کتاب‌های مصور «BRZRKR»، که «ریوز» خالق آن‌ها بوده است، منتشر می‌شود. نخستین جلد از این مجموعه‌کتاب‌های مصور در سال ۲۰۲۱ منتشر شد و داستان یک جنگجوی جاودانه را روایت می‌کند که در سفری هزاران ساله به درک جاودانگی خود می‌پردازد. این رمان قرار است در ۲۲ جولای توسط انتشارات «پنگوئن» منتشر شود. «ریوز» که بیشتر به دلیل ایفای نقش در مجموعه فیلم‌های «ماتریکس» و «جان ویک» شناخته می‌شود، همکاری با «میول» برای نگارش این رمان را «فوق‌العاده» توصیف کرد. از رمان‌هایی که به قلم «میول» منتشر شده‌اند، به «شهر و شهر»، «شهر سفارت» و «ایستگاه خیابان پریدو» می‌توان اشاره کرد. «میول» تنها نویسنده‌ای است که تاکنون سه‌بار برنده جایزه «آرتور سی‌کلارک» برای داستان‌های علمی تخیلی شده است.

زین‌تقدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

● **ناوبراسته** ✖

هلال‌احمر آذربایجان غربی: با مساعداشدن هوا وبتلاش نیروهای عملیاتی هلال‌احمر ۲ کوهنورد مفقودشده از ۵ نفر در حادثهٔ بهمن ارتفاعات رندوله آشنویه پیداوبه مرکز درمانی انتقال یافت.

● **ویراسته** ✔

هلال‌احمر آذربایجان غربی: با مساعداشدن هوا وتلاش نیروهای هلال‌احمر، ۲ کوهنورد پیداوبه مراکز درمانی منتقل شدند. حادثهٔ بهمن ارتفاعات رندوله آشنویه، موجب مفقودشدن ۵ نفر شده بود.

● **نکته**

استقلال جمله‌هاو کوتاه نویسی، در یافت معناومفهوم را آسان تر می‌کند.

#زین-قند-فارسی

گفت وگو با سپیده دولتشاه، درباره کتابش «شاهنامه به روایت سپیده»

ایجاد اشتیاق به ادبیات کهن در مخاطب عام نوآوری می‌خواهد

عرصه ادبیات، گوهرشناسان فرهنگ و دانش این سرزمین هستند، پس مسلمان به کمتر از جواهری با خلوص بالا راضی نمی‌شوند. اما شاید بد نباشد که بضاعت اندک افراد عادی را هم که دوست دارند لحظه‌ای این جواهرات را در دست بگیرند، لحاظ‌کنند. چراکه آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید پس من مسئله را آن قدرها برونج نمی‌بینم، تکلیف روشن است. کسانی که به نظم‌انس و الفت دارند و درک صحیحی نسبت به محتوای ابیات دارند، مسلماً مستقیماً با خود اشعار شاهنامه ارتباط برقرار می‌کنند. گروهی هم که عاشق نظم هستند، اما معانی و ظرایف را متوجه نمی‌شوند با بهره‌گیری از متخصصان این حوزه به مراد خودشان می‌رسند. نمونه‌آن جلسات شاهنامه‌خوانی بسیار پرشوری که در همه شهرها برگزار می‌شود. اما کسانی که به شعر علاقه ندارند یا آن را نمی‌فهمند یا وقت با حوصله زمان گذاشتن برای درک معانی ابیات را ندارند چه‌آن‌ها را خط بزنیم؟ مگر نه اینکه شاهنامه مهم‌ترین سند عظمت زبان فارسی است که مجموعه‌ای از تاریخ و فرهنگ ایرانیان را با همه ابعاد زندگی، اعتقادات، باورها و دستاوردهای فکری و دینی و اخلاقی و اجتماعی‌شان در خود جای داده‌است؟ پس خلاقانه‌ترین کار از نظر من ابتدا آشنا ساختن مردم عادی با محتوای اصلی هر قسمت از شاهنامه است. بعد ایجاد اشتیاق برای خواندن اصل ابیاتی که حالا قصه آن را به خوبی می‌دانند. که من با تجربه قصه‌گویی از شاهنامه برای ۱۰ هزار نفر و مثنوی معنوی برای ۶ هزار نفر در فضای مجازی و دیدن بازخوردهای جالب مخاطبان به این باور رسیده‌ام که تکه‌گمشده برای آشنی مردم با ادبیات کهن را یافته‌ام و اگر عمری باقی باشد این شیوه را ادامه خواهیم داد.

● چرا اهمیت دارد کودکان و نوجوانان را با شاهنامه یا متون ادبی کهنان آشنا کنیم؟ چه آورده و اثری از این آشنایی می‌توانیم انتظار داشته باشیم؟

باسخ شما را با خاطره‌ای از یکی از دوستانم می‌دهم. چند سال پیش در یک اردوی دانش آموزی مقطع دبیرستان، بچه‌ها را به دیدن طاق بستان کرمانشاه برده بودند. مربی همراه، دبیر ریاضی بوده و دانش‌آموزان هر سؤالی درباره آنجا پرسیده بودند، به سادگی گفته بود: «نمی‌دانم!» انشای اغلب دانش‌آموزان از خاطرات سفر هم جالب بود. اغلب از چند کنده‌کاری روی دیوار و بستنی عسلی! آورده این اردو با آن همه هزینه چه بوده‌است؟ گذشته از برنامه‌ریزی غلط فضاهای آموزشی، اصولاً ما از دبیر ریاضی انتظار داریم اطلاعات تاریخی عمیقی به دانش‌آموزان بدهد، زیرا تمرکز تحصیلی و شغلی او چیز دیگری است. اما به عنوان یک مادر چه؟ اگر آن مربی قبلاً قصه‌های شاهنامه یا خمسه نظامی را موخته بود، بچه‌ها دست خالی برمی‌گشتند؟ قصه خسرو و شیرین یا اردشیر دانش‌آموزان را مشتاق مشاهده بیشتر آن فضا نمی‌کرد؟ پس قصه‌گویی والدین از ادبیات کهن در دوره سنی خاصی از فرزندان اهمیت بالایی دارد و نقش بسزایی در علاقه‌مند کردن نسل نو به داشته‌های فرهنگی‌غنی‌مان ایفا می‌کند. بسیاری از پدر و مادرها نقش خود را در زندگی فرزندان‌شان به تأمین مالی و سرویس دادن روزمره به آن‌ها تقلیل داده‌اند و در عین حال گله‌مندند که بچه‌ها بیشتر وقت خود را با گوشی همراه می‌گذرانند. آیا وقت آن نیست که باب گفت‌وگوی هدفمند را با فرزندان‌مان بازکنیم؟ آیا زمان آن نرسیده‌که ذهن نوجوانانمان را نسبت به آنچه‌که از فرهنگ و تاریخمان به تاراج رفته آگاه سازیم؟

بسیاری از پدر و مادرها نقش خود را در زندگی فرزندان‌شان به تأمین مالی و سرویس دادن روزمره به آن‌ها تقلیل داده‌اند و در عین حال گله‌مندند که بچه‌ها بیشتر وقت خود را با گوشی همراه می‌گذرانند. آیا وقت آن نشده که باب گفت‌وگوی هدفمند را با فرزندانمان بازکنیم؟

را با توجه به حوصله مخاطب به طور خلاصه بیان کرده‌ام. برای طراحی و صفحه‌آرایی کتاب هم وقت و هزینه زیادی صرف شده و به‌طور غیرمستقیم مخاطب را برای تشخیص بازه‌های زمانی و تصور شخصیت‌ها راهنمایی می‌کند.

● گفته اید این کتاب برای پدر و مادرهاست، تا بتوانند ادبیات کهنان را آن‌طور که مناسب کودکان امروز است

روایت کنند. رادی این شیوه روایتی که مدنظر شماست باید چه مهارت‌ها و ویژگی‌هایی داشته باشد؟ ببینید، اگر پدر و مادر حقیقت یک قصه، ضعف و قدرت شخصیت‌ها و پندی را که در آن مستتر است، درک کنند به راحتی می‌توانند در جایگاه‌های مناسب زندگی برای تعلیم فرزندان‌شان از آن‌ها استفاده‌کنند. پس اختصاص زمانی مختصر اما به صورت پیوسته برای روایت قصه‌ها، تشخیص لحظه‌ای روحیه فرزند برای انتخاب یک ماجرا، آرامش و تعجیل نداشتن در قصه‌گویی و افزایش دایره‌لغات آن‌ها به صورت غیرمستقیم باید مدنظرشان باشد.

● صاحب‌نظرانی هستند که با روایی کردن و به‌نثر درآوردن شاهنامه همدل نیستند، نظر شما در این باره چیست؟ آیا روح شاهنامه با به‌نثر درآوردن دستخوش آسیب نمی‌شود؟ بالاخره همان ریمتی که فردوسی با گزینش حروف و کنار هم قرار دادن آن‌ها ایجاد کرده و آهنگی که در ابیات هست در انتقال حس حماسی تأثیرگذار است. تکلیف این ویژگی‌ها در اثر منثور چه می‌شود؟ قطعاً نظران‌ها محترم است. متخصصان و استادان

● صاحب‌نظرانی هستند که با روایی کردن و به‌نثر درآوردن شاهنامه همدل نیستند، نظر شما در این باره چیست؟ آیا

روح شاهنامه با به‌نثر درآوردن دستخوش آسیب نمی‌شود؟ بالاخره همان ریمتی که فردوسی با گزینش حروف و کنار هم قرار دادن آن‌ها ایجاد کرده و آهنگی که در ابیات هست در انتقال حس حماسی تأثیرگذار است. تکلیف این ویژگی‌ها در اثر منثور چه می‌شود؟ قطعاً نظران‌ها محترم است. متخصصان و استادان

اظهار شگفتی کاوه میرعباسی، مترجم پیشکسوت، از یک رمان فارسی

«هَرس» از بهترین رمان‌هایی است که در ۵ سال اخیر خوانده‌ام

● رمان چقدر کشش و جذابیت دارد که تا به امروز به ۳۶ چاپ رسیده‌است؟ در عین حال که زمانی است که به هیچ‌وجه عامه پسند نیست، از تکنیک‌هایی در آن بهره می‌برد که فرضا سریال‌های پرکشش هم آن‌ها را دارند. جابه جایی دو بچه در این رمان به خوبی به تصویر کشیده شده است. این‌ها را هم عمیق و ظریف به کار برده که هم عوام می‌فهمند و هم خواص می‌پسندند. در عین حال رمان تصاویر تکان دهنده زیادی دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های تصویرسازی‌ها و فضاسازی‌های رمان بدیع بودنشان است.

● چرا؟ چه عنصری باعث می‌شود که این رمان را برگزینید؟ زبانش، فوق‌العاده منسجم و پاکیزه و شسته رفته است. ساختار درخشانی دارد. از این نظر برایم جالب بود که گاه برخی افراد یک رمان موفق می‌نویسند و پس از مدتی در همان کار درجا می‌زنند.

● پس مرعشی در این رمان به هیچ‌وجه درجا نزده‌است؟ اصلاً بد! حتی وارد فضاهای جدید و تازه‌ای

شده که برای من نویسنده و مترجم حائز اهمیت است. این رمان چه به لحاظ مضمون و چه از حیث حال و هوا و محیط با رمان «پاییز فصل آخر سال است» کاملاً فرق دارد. البته این رمان به نوعی رمان جنگ هم محسوب می‌شود. جنگ در پس زمینه داستان حضور دارد؟ به نوعی می‌توانم بگویم که در حاشیه رمان جنگ اتفاق می‌افتد. پرسوناژها(شخصیت‌ها) و شخصیت‌پردازی به نوعی منحصر به فرد است.



تقدیر از سپیده دولتشاه توسط دکتر محمد جعفر باحقی در مراسم رونمایی از کتاب «شاهنامه به روایت سپیده» در مشهد

سرانجام رسیدن آن چه مدت طول کشید؟ نوشتن این کتاب سه سال زمان برد و در آن از چهار تصحیح شاهنامه استفاده کردم؛ تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، مسکو، ژول مول و دست‌نویس لنینگراد و همچنین حدود سی منبع معتبر در حوزه تاریخ، هنر و ادبیات فارسی بهره‌برده‌ام. در مقدمه کتاب تأکید کرده‌ام که شیوه روایت من کاملاً وفادارانه به ابیات است. این به معنی خط به خط نوشتن معنی هر بیت نیست، روش کار من به این ترتیب بوده که ابتدا کل ابیات یک مبحث را برای خودم معنی و نکات ظریف آن را یادداشت کرده‌ام بعد آن را با حفظ امانت و بدون اضافه کردن شاخ و برگ بیشتر به قالب قصه‌ای قابل فهم درآورده‌ام. در شاهنامه بسیاری از وقایع بارها تکرار و یادآوری می‌شوند که من آن‌ها



رادمنش

یک تجربه زیسته، قرار گرفتن در یک موقعیت و حاصل شدن چیزی خلاف انتظار و ماجراهای پس از آن، ایده و انگیزه‌ای شد که سپیده دولتشاه

دست به نوشتن شاهنامه‌ای بزند به روایت خودش؛ «شاهنامه به روایت سپیده». او وقتی دختر خردسالش را به برنامه اجرای نقالی برده بود، متوجه شد میزان شور و هیجان و شیوه اجرا و حتی صدای قدرتمند و پر صلابت نقال مناسب سن کودک نیست و نه تنها باعث جذب و ورود این قشر به دنیای شاهنامه نمی‌شود که می‌تواند با ایجاد ترس در آن‌ها، دافعه‌ای هم داشته باشد. او در جلسه رونمایی کتابش که در مشهد برگزار شد، گفته بود روایتی مادرانه‌ای از شاهنامه داده‌است. او سعی کرده اثری تولید کند برای پدر و مادرها، مربیان و همه بزرگ‌ترهایی که می‌خواهند کودکان را با شاهنامه آشنا و وارد این دنیای شگفت کنند. سپیده دولتشاه حقوق خوانده و در همین زمینه مشغول است، اما به گفته خودش نقاشی و مطالعه، مشغولیت‌های جدایی‌ناپذیر زندگی او از نوجوانی تاکنون است. چند سالی است قصه‌گویی برای رده‌های سنی مختلف را تجربه می‌کند و «شاهنامه به روایت سپیده»، نخستین کتاب اوست که درباره آن گفت‌وگویی با او داشته‌ایم. البته او به لطف فضای مجازی تجربه‌ای در خوانش قصه‌گونه ادبیات کهن فارسی برای عموم داشته و در مجموع، قصه‌هایی از شاهنامه را برای «هزار نفر و مثنوی معنوی را برای ۶ هزار نفر خوانده است. او با تکیه به این تجربه می‌گوید، با دیدن بازخوردهای جالب مخاطبان به این باور رسیده‌ام که تکه‌گمشده برای آشنی مردم با ادبیات کهن را یافته‌ام و اگر عمری باقی باشد این شیوه را ادامه خواهیم داد.

● وقتی در کتاب فروشی‌ها سراغ قصه‌کتاب‌های ادبیات کهن فارسی –چه برای بزرگ‌سالان و چه برای کودکان و نوجوانان- می‌رویم، شاهنامه‌هایی می‌بینم با ویژگی‌های متفاوت که برای برآوردن نیازهای مختلفی از جامعه هدف موردنظر مؤلف نوشته شده‌است، چه کمبودی در آثار موجود دیدید که تصمیم گرفتید دست به کار شوید و شاهنامه‌ای به روایت خودتان تألیف کنید؟

تمرکز من روی روایتی قصه محور از شاهنامه است. متنی که به دور از کلمات مهجور و ثقیل باشد. برای باورپذیرتر شدن، گفت‌وگوهای بین شخصیت‌ها را به نوع صحبت روزمره مان نزدیک کرده‌ام. اگر قصه‌ها را با صدای بلند و کمی طمأنینه بخوانید، متوجه خواهید شد که مشغول اجرای یک نمایش نامه صوتی هستید که به نظر من این بهترین راه حل برای والدینی است که می‌گویند قصه گفتن بلد نیستند.

● انگیزه نوشتن این اثر چطور در شما به وجود آمد؟ داستان کتاب من از یک اجرای نقالی آغاز شد. به خیال علاقه‌مند کردن دخترم به شاهنامه او را به دیدن مراسم نقالی برده بودم، محو در حرکات و اجرای زیبای مرشد، ناگهان متوجه شدم دخترکم و حشت زده پشت من پنهان شده و به خودش می‌لرزد. آن شاهنامه‌خوانی با صدایی فریادمانند، آن دست زدن‌ها و آن پاکوبیدن‌ها چنان او را ترسانده بود که شب‌ها از نگرانی مرد عصابه‌دستی که فریاد می‌کشید، دیگر نمی‌خوابید و من مدت‌ها برای بازگرداندن آرامش به دخترم نیازمند کمک گرفتن از مشاور شدم... بعد با بدون اینکه آسمنی از شاهنامه بیرم قصه‌های لطیف و پیرهیجان جناب فردوسی را برای او تعریف کردم و وقتی اشتیاق شنیدن را دارا دیدم فهمیدم باید در شیوه روایت، ابزار و اجرا نوآوری به خرج داد.

● درباره کتاب بگویید؟ برای نوشتن آن، چه منابع و تصحیحاتی را مبنا قرار دادید؟ آیا «شاهنامه به روایت سپیده» متن کامل شاهنامه است یا گزیده‌ای از آن؟ به

سپیده» متن کامل شاهنامه است یا گزیده‌ای از آن؟ به

سپیده» متن کامل شاهنامه است یا گزیده‌ای از آن؟ به

سپیده» متن کامل شاهنامه است یا گزیده‌ای از آن؟ به

کاوه میرعباسی، مترجم پیشکسوتی که به چند زبان مسلط است و ده‌ها عنوان کتاب از زبان‌های مختلف با ترجمه او وارد بازار نشر شده است، در گفت‌وگویی

که با همشهری آنلاین داشته می‌گوید رمان «هَرس» نوشته نسیم مرعشی یکی از بهترین آثاری بوده که در پنج سال گذشته خوانده‌است. او این رمان را اثری می‌داند که هم مخاطبان عام آن را می‌فهمند و هم خواص آن را می‌پسندند. آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از این گفت‌وگو است.

● ● ●

● آخرین کتاب تألیفی و ترجمه‌ای که خوانده‌اید و شما را سرخوش آورد چه بود؟ آخرین کتاب نمی‌توان گفت اما یکی از کتاب‌هایی که باورکنید باید بگویم در پنج سال اخیر میان آثار تألیفی برایم جای بسی شگفتی داشت، رمان «هَرس» نوشته نسیم مرعشی بود. این رمان بسیار درخشان و رمان‌دوم نویسنده است. او چندین سال پیش رمان «پاییز فصل آخر سال است» را راهی بازار کتاب کرد که در حال حاضر چاپ پنجا و هشتم آن در بازار موجود است و همین به



● چه پیشنهادی برای رونق وضع کتاب دارید؟ باور کنید که بارها گفته‌ام اما گوش شنوایی وجود ندارد. من و مترجمان و نویسندگان متفق‌القولیم که از دهه‌ها پیش می‌بایست نویسندگی حرفه‌ای می‌شد. تا نویسندگی حرفه‌ای نشود و ایران به قانون جهانی کپی‌رایت نپیوندد، کار از کار پیش نمی‌رود. تا نویسندگی شغل نشود و تا زمانی که وضع مالی مردم بهتر نشود و مردم عادت به مطالعه نکنند، وضع همین است. جملگی این موارد باید دست به دست هم دهند تا کتاب و کتاب‌خوانی رونق پیدا کند. نویسندگان ایرانی به قول بزرگی نویسنده روزهای تعطیل‌اند. ما اصلاً نویسنده حرفه‌ای نداریم، منظوم نویسنده‌ای است که از طریق نوشتن بتواند امرار معاش کند. داستان کوتاه و رمان بنویسد و زندگی و روزگار بگذراند. شرایط حال حاضر کشور، هم به گونه‌ای است که لغو و تا اطلاع ثانوی نویسندگی نمی‌تواند شغل باشد.